

بررسی تأثیر آموزش روش‌های خلاقیت در درس کارگاه نقاشی (پیکره مطالعاتی: دانشجویان کارشناسی رشته نقاشی دانشگاه الزهراء(س))*

چکیده:

تحقیقات علمی نشان داده‌اند که خلاقیت، مهارتی اکتسابی و قابل آموزش است. اکثر پژوهش‌ها، حاکی از اثرگذاری مثبت دوره‌های آموزش تفکر خلاق بر میزان خلاقیت دانشجویان در دوره‌های تحصیلی مختلف بوده‌اند. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش خلاقیت در راستای افزایش خلاقیت دانشجویان در درس کارگاه نقاشی، به سؤالات زیر پاسخ می‌دهد: میزان تأثیر برنامه درهم‌تنیده با خلاقیت بر رشد خلاقیت دانشجویان کارشناسی رشته نقاشی چقدر است؟ آموزش درهم‌تنیده با خلاقیت، چه تأثیراتی بر پروژه عملی دانشجویان دارد؟ در این راستا، به بررسی تأثیر آموزش خلاقیت در درس کارگاه نقاشی، دانشجویان رشته نقاشی دوره کارشناسی در دانشکده هنر دانشگاه الزهراء(س) در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ پرداخته شد. تعداد ۱۸ دانشجوی ترم ۶، به عنوان نمونه انتخاب شدند. مؤلفه‌های خلاقیت با برنامه درسی کارگاه تخصصی نقاشی، به صورت درهم‌تنیده، در طول ۲۰ ساعت آموزشی، تدریس شد. دانشجویان در طول کارگاه با به‌کارگیری مهارت‌های اکتسابی خلاقیت، به خلق آثار عملی پرداختند. با استفاده از آزمون خلاقیت عابدی،

نرگس حوریزاد گنجگار
کارشناس ارشد نقاشی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
Email: nhourizad@yahoo.com

محمد کاظم حسونود
(نویسنده مسئول)
دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
Email: mkh@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۰۴

پیش‌آزمون انجام شد. سپس، پس از آزمون به عمل آمد. از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، جهت بررسی توزیع نرمال داده‌ها استفاده و از آزمون t، با دو نمونه جفتی/همبسته، نتایج دو آزمون تحلیل شد. نمره خلاقیت دانشجویان، افزایش قابل توجه و معنی‌داری نشان داد ($p < 0/001$)، به عبارت دیگر، آموزش خلاقیت، موجب رشد خلاقیت دانشجویان گردید. هم‌چنین آموزش خلاقیت، بر اساس ارزشیابی استادان هنر، موجب رشد معنی‌دار مؤلفه‌های خلاقیت در آثار عملی دانشجویان گروه تجربی گردید ($p < 0/05$)، روش پژوهش شبه تجربی، آزمون خلاقیت عابدی و فرم مقیاس ارزشیابی هنرهای تجسمی رنزولی می‌باشد.

واژگان کلیدی: خلاقیت، برنامه درسی درهم‌تنیده، کارگاه نقاشی، آزمون خلاقیت عابدی

مقدمه

برای درک شرایط یک هنرمند، باید به تأثیری که شرایط اجتماعی بر او و بر هنرش می‌گذارد، توجه کنیم. با بررسی این عوامل و تأثیر انکارناپذیر آن‌هاست که می‌توانیم به ماهیت و جان هنر و هنرمند پی ببریم. «خلاقیت عاملی نیست که اتفاقی به وجود آید، بلکه پدیده‌ای است که عوامل بی‌شماری در رشد و شکوفایی آن نقش دارند» (فاضل، ۱۳۸۶: ۴۰). آن‌چه شخصیت یک انسان خلاق-هنرمند را می‌سازد، مجموعه‌ای از استعداد، اندیشه، اکتسابات، کارکرد و برآیند کار اوست که از وی فردی خلاق می‌سازد.

می‌توان چنین اظهار داشت که «قطعاً آموزش در شناخت، تربیت و هدایت نیروهای روانی و ذهنی مؤثر است. به این ترتیب، آموزش در واقع، مهارکننده و جهت‌دهنده خواهد بود؛ ولی خود مولد نیروی خلاقه نیست و لذا، نمی‌توان نقصان یا فقدان نیروی روانی را با آموزش مرتفع کرد» (احمدی، ۱۳۸۵: ۱۲۴). مقوله ارتباط آموزش با خلاقیت هنری، بحث دیرینه‌ای است که فلسفه وجودی دانشکده‌های هنر را مورد پرسش قرار می‌دهد. گرچه امروزه کم‌وبیش شاهد خلق آثار و نقاشی‌های خلاق از دانشجویان هستیم؛ با این حال، از جمله نابسامانی‌ها و آسیب‌هایی که نقاشی در دوران جدید به آن، گرفتار شده، این است که خلاقیت هنرمند به سطوح پایینی نزول کرده است و لذا، آثار هنری نمی‌توانند با روحیات خلاق انسان، ارتباط مؤثر برقرار کنند. هدف اصلی پژوهش فعلی، تغییر در این طرح‌واره و تأکید بر جنبه آموزشی خلاقیت است. ضرورت این مطالعه، در روشن ساختن سنجش و تأثیر آموزش خلاقیت است. از دیگر ضرورت‌های اجرای این پژوهش، تلاش برای سنجش و در نهایت، شناخت و دست‌یابی به هنرمندان خلاق‌تر و فراهم آوردن فرصت‌ها و فضاهای مناسب برای آن‌هاست. معیارهای ارزیابی هنر خلاق با توجه به مؤلفه‌های خلاقیت، باید مشخص شود و به شرایطی که در آن، محقق خلاق یا دانشجوی خلاق، فعالیت دارد، توجه شود. حیطة انگیزش فرایندهای خلاق باید شناخته شود: چه عواملی افراد را برمی‌انگیزد، تا تولیدات هنری خلاق داشته باشند و چه عواملی مانع و بازدارنده تفکر خلاق است؟ میزان تأثیر روش تدریس هنر خلاقیت محور، بر رشد خلاقیت دانشجویان کارشناسی رشته نقاشی چقدر است؟ آموزش هنر خلاقیت

محور، چه تأثیراتی بر پروژه عملی دانشجویان کارشناسی رشته نقاشی دارد؟ از آن‌جا که، موضوع سنجش و آموزش خلاقیت، به‌ویژه در حوزه نقاشی از سوابق نظری و پژوهشی کافی برخوردار نیست، ضروری است در بین گروهی از دانشجویان این رشته، مورد بررسی قرار گیرد؛ تا خمیرمایه‌ای برای تسری و تأکید بیش‌تر بر خلاقیت در آموزش هنر باشد.

روش پژوهش

در این مقاله از روش پژوهش شبه تجربی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون، استفاده شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های تحقیق کتابخانه‌ای و میدانی، پیشینه تحقیقاتی موجود، آزمون خلاقیت عابدی (۱۳۷۲)، فرم مقیاس ارزشیابی هنرهای تجسمی رنزولی (Renzulli) و برگزاری کارگاه آموزشی خلاقیت و نقاشی، به منظور بررسی تأثیر آموزش خلاقیت بر کارهای عملی دانشجویان استفاده شده است. دانشجویان مقطع کارشناسی رشته نقاشی، دانشگاه الزهراء (س) به عنوان جامعه پژوهش انتخاب شدند. ۱۸ دانشجوی کارشناسی نقاشی، در سال تحصیلی ۹۱-۹۲، به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. از آنان پیش‌آزمون و پس‌آزمون به عمل آمد و آثار قبل و بعد از کارگاه دانشجویان حاضر در هر دو بخش تئوری و عملی کارگاه، جمع‌آوری و بررسی شدند.

گروه تجربی، علاوه بر آموزش اصول و مفاهیم درس تخصصی کارگاه نقاشی، در یک کارگاه آموزشی خلاقیت، به میزان ۲۰ ساعت شرکت کردند. به منظور مقایسه آثار قبل و بعد از کارگاه آموزشی، آثار دانشجویان بعد از شرکت در کارگاه آموزشی، بر اساس ملاک‌های یک اثر (نقاشی خلاق) و مؤلفه‌های خلاقیت، توسط استادان هنر ارزیابی و داوری شد. در این راستا، از فرم مقیاس ارزشیابی هنرهای تجسمی رنزولی - که بر اساس مؤلفه‌های اصلی و مورد نظر در خلاقیت می‌باشد - با داوری چند آزمونگر (استادان هنر)، امتیازات بررسی و نتایج استخراج شدند. محتوای کارگاه، شامل تمرین‌ها و تکالیفی برای یادگیری و رشد مهارت‌های مرتبط با ابعاد خلاقیت: سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار و نومایی، بسط و گسترش است. در واقع، تکالیف خلاقیت با برنامه درسی کارگاه تخصصی نقاشی، به صورت در هم تنیده،

طراحی شد. دانشجویان، پروژه‌های عملی خود را با بهره‌گیری از مهارت‌های تولید یک اثر هنری خلاق اجرا و ارائه کردند. آزمون t با نمونه‌های جفتی، معمولاً در تحقیقات آزمایشی و تجربی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این پژوهش، به منظور تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهشی از نرم‌فزار spss، نسخه ۱۶ و از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف^۲ استفاده شده است.

پیشینه پژوهش

مساله خلاقیت، یکی از جهات اصلی پژوهش‌هایی است که به پدیده‌های هنری مربوط می‌شود. پژوهش‌های انجام شده در زمینه آموزش خلاقیت، بیانگر آنند که خلاقیت، تنها به عنوان صفتی ذاتی مطرح نیست؛ ایجاد آن از طریق آموزش نیز امکان‌پذیر است. بسیاری از محققان امر خلاقیت از آموزش خلاقیت یاد کرده و آن را امکان‌پذیر دانسته‌اند و شواهدی در این جهت ارائه کرده‌اند. به طور مثال، اسبورن (۱۳۶۸)، در کتاب «پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت» از تحقیق اسبورن و دوبونو نوشته است و سیف (۱۳۸۳)، در کتاب «روانشناسی پرورشی» از سیدنی پارتز، مالتزمن، آرنولد میدو، آمایل و... به جهت تاکید بر این موضوع، نام برده است. با دامن زدن به تخیلات افراد، انعطاف‌پذیری فکری آنان، پذیرش کارهای به ظاهر نامتعارف افراد و... می‌توان بر میزان خلاقیت آن‌ها افزود. تورنس (۱۳۷۲)، در کتاب «استعدادها و مهارت‌های خلاقیت، راه‌های آزمون و پرورش»، از ۱۴۲ پژوهش یاد می‌کند که همگی از تاثیر مثبت آموزش خلاقیت حکایت می‌کنند. فاینمن (۱۳۹۵)، در کتاب «همه ماجراهای ریچارد فاینمن» اعلام می‌دارد: در مدارس و دانشگاه‌ها، باید به جای آموزش تفکر بازآفرین (هم‌گرا)، به آموزش و یادگیری تفکر آفرینش‌گر (واگرا) پرداخت. در یک مطالعه موردی، تأثیر اصلاحات در برنامه درس تاریخ جهان و زبان مقدماتی گروهی از دانش‌آموزان کلاس یازدهم، بررسی شده، هماهنگ کردن برنامه درسی، درگیر ساختن دانش‌آموزان در فعالیت‌ها، ارج نهادن به خلاقیت آن‌ها و فراهم ساختن محیطی غنی و حمایت‌کننده، از جمله اصلاحات غنی‌سازی بوده است. نمرات ابتکار، افزایش قابل توجهی نشان داد (Murphy, 1988: 15). در مطالعه‌ای دیگر، تأثیر دو معلم کلاس دوم روی خودمختاری، تعامل اجتماعی و خلاقیت دانش‌آموزان شان مورد بررسی قرار گرفته است: یک کلاس، از طریق درگیر

ساختن دانش‌آموزان در یادگیری، بالا بردن اعتماد به نفس و ایجاد نگرش در آنان که دیگران را به عنوان منابع اطلاعات تلقی کنند، آنان به ابراز عقاید در کلاس‌های نمایش ترغیب شدند؛ در کلاس دیگر، با استفاده از راهبردهای تدریس هدایتی، به ترغیب رفتار مستقل دانش‌آموزان پرداخته شد. در تحقیقی دیگر، بر روی ۵۸ دانش‌آموز کلاس چهارم و پنجم ضعیف تا متوسط، آموزش بدیعه‌پردازی بر اساس برنامه‌های استاندارد علمی اجرا شد و برای گروه گواه، به روش معمولی، آموزش اجرا شد. بر اساس نتایج حاصل از آزمون تفکر خلاق تورنس، امتیاز گروه تجربی به مراتب بالاتر از گروه گواه است. بعد از چهار هفته آموزش، معلوم شد، فرایند بدیعه‌پردازی، خزانه لغات و فعالیت‌های کلاس را افزایش می‌دهد. دانش‌آموزان تایلندی با دامنه سنی ۵/۳-۵/۶ سال، در یک گروه آموزشی ۸ هفته‌ای برنامه آموزشی خلاقیت^۳ (CTP) را دریافت کردند. گروه گواه در کلاس‌های عادی شرکت کردند. تأثیر CTP بر خلاقیت دانش‌آموزان، به وسیله سه مقیاس اندازه‌گیری^۴ TCAM و SPAF و مشاهدات مستقیم معلمان و والدین ارزیابی شد. برنامه آموزش خلاقیت، به طور معنی‌داری خلاقیت دانش‌آموزان را افزایش داد (Seuantra, 1994: 41).

در یک مطالعه پژوهشی از نوع قوم‌نگاری و بر اساس تحلیلی جامع از معلمان دو کلاس با دو روش متعارض آموزش خلاقیت- یک کلاس، با دانش‌آموز مبتکر و دارای عملکرد واگرا و محیطی آزاد برای اظهار نظر؛ کلاس دیگر، با محتوا و ساختاری که تلاش دارد، دانش‌آموزان به درک خوبی از موضوع برسند- معلوم شده است: خلاقیت، ترکیبی از دو روش آموزش فوق است و با محتوا، مهارت و ساختار- که از مؤلفه‌های مهم یادگیری هستند- سر و کار دارد. پس، خلاقیت در خلاء شکل نمی‌گیرد؛ بلکه زمانی تحقق می‌یابد که دانش‌آموزان، هیجان و جنبه‌های شاد اجتماعی و شخصی ساختارهای گوناگون را تجربه کنند. «یافته‌های این تحقیق نه تنها در آموزش خلاقیت، بلکه برای شیوه‌های دیگر آموزش، از جمله آموزش آزاد، یادگیری کودک محور، یادگیری اکتشافی و حل مساله قابل استفاده خواهد بود» (Ronald, 1993: 35).

در همین راستا، در ایران نیز پژوهش‌های مرتبطی صورت پذیرفته است. بهمن حوریزاد (۱۳۸۹)، در مطالعه شبه تجربی، به بررسی تأثیر درس پژوهی با تأکید بر خلاقیت بر روی خلاقیت ۷۸ معلم و ۱۹۰۰ دانش‌آموز ۳۸ مدرسه

طراحی شد. دانشجویان، پروژه‌های عملی خود را با بهره‌گیری از مهارت‌های تولید یک اثر هنری خلاق اجرا و ارائه کردند. آزمون t با نمونه‌های جفتی، معمولاً در تحقیقات آزمایشی و تجربی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این پژوهش، به منظور تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهشی از نرم‌فزار spss، نسخه ۱۶ و از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف^۲ استفاده شده است.

پیشینه پژوهش

مساله خلاقیت، یکی از جهات اصلی پژوهش‌هایی است که به پدیده‌های هنری مربوط می‌شود. پژوهش‌های انجام شده در زمینه آموزش خلاقیت، بیانگر آنند که خلاقیت، تنها به عنوان صفتی ذاتی مطرح نیست؛ ایجاد آن از طریق آموزش نیز امکان‌پذیر است. بسیاری از محققان امر خلاقیت از آموزش خلاقیت یاد کرده و آن را امکان‌پذیر دانسته‌اند و شواهدی در این جهت ارائه کرده‌اند. به طور مثال، اسبورن (۱۳۶۸)، در کتاب «پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت» از تحقیق اسبورن و دوبونو نوشته است و سیف (۱۳۸۳)، در کتاب «روانشناسی پرورشی» از سیدنی پارتز، مالتزمن، آرنولد میدو، آمایل و... به جهت تاکید بر این موضوع، نام برده است. با دامن زدن به تخیلات افراد، انعطاف‌پذیری فکری آنان، پذیرش کارهای به ظاهر نامتعارف افراد و... می‌توان بر میزان خلاقیت آن‌ها افزود. تورنس (۱۳۷۲)، در کتاب «استعدادها و مهارت‌های خلاقیت، راه‌های آزمون و پرورش»، از ۱۴۲ پژوهش یاد می‌کند که همگی از تاثیر مثبت آموزش خلاقیت حکایت می‌کنند. فاینمن (۱۳۹۵)، در کتاب «همه ماجراهای ریچارد فاینمن» اعلام می‌دارد: در مدارس و دانشگاه‌ها، باید به جای آموزش تفکر بازآفرین (هم‌گرا)، به آموزش و یادگیری تفکر آفرینش‌گر (واگرا) پرداخت. در یک مطالعه موردی، تأثیر اصلاحات در برنامه درس تاریخ جهان و زبان مقدماتی گروهی از دانش‌آموزان کلاس یازدهم، بررسی شده، هماهنگ کردن برنامه درسی، درگیر ساختن دانش‌آموزان در فعالیت‌ها، ارج نهادن به خلاقیت آن‌ها و فراهم ساختن محیطی غنی و حمایت‌کننده، از جمله اصلاحات غنی‌سازی بوده است. نمرات ابتکار، افزایش قابل توجهی نشان داد (Murphy, 1988: 15). در مطالعه‌ای دیگر، تأثیر دو معلم کلاس دوم روی خودمختاری، تعامل اجتماعی و خلاقیت دانش‌آموزان شان مورد بررسی قرار گرفته است: یک کلاس، از طریق درگیر

ابتدایی مناطق نوزده گانه شهر تهران پرداخت و پژوهش نشان داد، درس پژوهی موجب رشد مهارت‌های حرفه‌ای معلمان گردیده است. مرتضی منطقی (۱۳۹۱)، با بررسی اثرات آموزش خلاقیت در دوره ابتدایی با ارائه الگویی برای آموزش خلاق در جریان تدریس، تأثیرپذیری آموزش‌ها را نشان داده و چگونگی تدریس و چگونگی دخالت دادن این روش‌ها را در کتاب‌های درسی مطرح ساخته است. منیژه حاتمیان (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان «خلاقیت و آموزش هنر نقاشی نیاز اصلی فراگیرندگان امروزی»، مهم‌ترین هدف خانواده‌ها و اولیاء مدرسه را در تعلیم کودکان و نوجوانان، کشف و پرورش خلاقیت آنان را بیان می‌نماید. زهرا طاهرخانی (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان «هنر در آینه پژوهش: تأثیر آموزش هنر بر خلاقیت دانش‌آموزان»، به نتیجه‌ای مبنی بر رابطه معنادار آموزش هنر بر رشد ابتکار کودکان، دست یافته است. مرجانه نادری گرزالدینی (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «روش‌های پرورش خلاقیت هنر نقاشی در دوره آموزش ابتدایی»، با اشاره به عوامل مؤثر بر موفقیت نظام‌های آموزشی - که بر خلاقیت در تدریس تأکید می‌کنند - بیان می‌دارد که موقعیت فردی، اجتماعی و اقتصادی هر کشوری در گروه مهارت‌های تفکر خلاق است و در نهایت، راه‌کارهایی برای پرورش خلاقیت هنری دانش‌آموزان ارائه می‌نماید. همارضا زاده (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «آموزش خلاقیت در هنر تصویرسازی»، مهم‌ترین فعالیت‌های آموزشی و عالی‌ترین هدف آموزش و پرورش در سطوح مختلف تحصیلی را شکوفایی و پرورش خلاقیت دانش‌آموزان معرفی می‌کند و بر این نکته، تأکید می‌نماید که روند آموزش برای فراگیری، باید روندی پویا و مؤثر باشد.

برآیند این پژوهش‌ها، حاکی از این است که خلاقیت و نبوغ را می‌توان آموزش داد. در حوزه هنر نیز مثل دیگر حوزه‌ها، چنانچه ترکیب و تلفیق هنرمندانه‌ای در روش‌های تدریس و یادگیری مهارت‌های خلاقیت ایجاد شود، خلاقیت دانشجویان رشته نقاشی در آثارشان، بیش‌تر نمود پیدا خواهد کرد. پژوهش حاضر در همین راستا، انجام گردید و از این منظر، بدیع و حاوی نوآوری است.

خلاقیت؛ تعاریف، عناصر و کارکردها

«از پیچیده‌ترین و عالی‌ترین جلوه‌های اندیشه انسانی،

تفکر خلاق اوست که در رشد و تکامل فرد و تمدن بشری نقش مؤثری دارد و زیربنای دستاوردهای هنری و علمی است» (رضازاده، ۱۳۹۶: ۴۶). خلاقیت در هنر، یعنی توانایی خلق تازه‌ها، بهره‌گیری از خیال و مطرح ساختن ایده‌های ناب. خلاقیت، توانایی نگرستن به مسایل و حوادث روزمره، با شیوه‌های نو است. هنرمند می‌کوشد با خلاقیت هنری خویش، به انسان این را بگوید که، می‌توان جهان را به شکل‌های گوناگون تجربه و تعریف کرد و هیچ چارچوب ویژه‌ای برای درک هستی وجود ندارد. به سخن دیگر، می‌توان گفت، هنرمند می‌کوشد پرده عادت را از پیش چشمان ما کنار زند و حقیقت دیگری را به ما نشان دهد و یا شاید در کشف خویشتن خویش است که می‌کوشد، کلید گمشده درهای معنی را بیابد.

«پرورش خلاقیت در آموزش هنر، به دلیل بی‌شمار بودن تولیدات و خدمات؛ و از سوی دیگر، به سبب تنوعی که در مخاطبان و مصرف‌کنندگان به‌وجود آورده، امری مهم و ضروری است» (مثقالی، ۱۳۹۰: ۵۲). تولید زیبایی و آفرینش هنری، اساس پاسخ هنرمند به حقیقت و هستی و خالق است. هنرمند، به‌جای توجه به نتیجه آفرینش و محصول هنری، باید به روش‌های نوگرایی در تجربه‌های خلاقانه هنری توجه داشته باشد؛ تا با نقد آن‌ها و کشف چرایی پیدایش آن پدیده و منظر نوپدید، خود را مجبور به نوگرایی دیگری کند. درحقیقت، هنرمندان به تفکر خلاق نیاز دارند، تا بتوانند ایده‌ها و تصاویری را خلق نمایند، که موجبات لذت و جذب هر چه بیش‌تر مخاطبان را فراهم نماید. در کل، مفهوم خلاقیت پیچیده و مبهم است و ارائه نظریه مستقلی برای آن، دشوار است. صاحب‌نظران، تعاریف مختلفی از خلاقیت ارائه داده‌اند که به‌رغم تفاوت‌های اساسی، که در این تعاریف وجود دارد، از جهات بسیاری، دارای نقاط مشترکی نیز هستند. از مهم‌ترین نقاط مشترک این تعاریف، ویژگی «نو بودن و تازگی داشتن است» (ویزبرگ، ۱۳۸۷: ۲۰). اما تازگی و نو بودن، نمی‌تواند به‌تنهایی مفهوم خلاقیت را روشن نماید؛ زیرا «بسیاری از چیزها می‌توانند نو و تازه باشند؛ اما خلاقانه نباشند. به همین دلیل، بعدها عنصر ارزشمند بودن را به آن افزودند» (حسینی، ۱۳۸۸: ۲۹). در مجموع تعاریف‌ها، خلاقیت را چنین تقسیم‌بندی می‌نمایند: «بعضی از تعاریف‌ها، ویژگی‌های شخصیتی افراد را محور قرار داده و بعضی دیگر،

پندارهای خویش - که در اثر او بازتاب یافته‌اند - دعوت می‌کند و واقعیتی را به ما نشان می‌دهد که در اصل، واقعیتی غیر واقعی است» (حسینی، ۲۰۱۱: ۵۰). لذا، واژه خلاقیت، به معنای آفرینش‌گری و آفریدن یک اندیشه یا یک آرمان نو و استعداد تحقق بخشیدن به این آرمان و ایده است.

ضرورت پژوهش در زمینه خلاقیت تحقیقات علمی نشان داده‌اند که «خلاقیت، یک مهارت است، لذا اکتسابی و قابل آموزش است» (Craft, Jeffrey & Leiblin, 2001: 25)؛ قابلیت آموزش، عرصه وسیعی جهت بهره‌مندی هر چه بیش‌تر از توان بالقوه این نیروی برتر ذهنی را برای بسیاری از مراکز آموزشی و علمی فراهم آورده است. بی‌تردید، هر تحولی که در هنر معاصر روی داده، مساله خلاقیت و محرکات روانی را همیشه در مرکز مباحثه خود قرار داده است.

بیش‌تر محققان معتقدند، آموزش و پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان و دانشجویان، سنگین‌ترین و مهم‌ترین مسئولیت پرورشی، در دنیای پر از تغییر امروز است. امروزه، همه مدارس و دانشگاه‌ها، وظیفه دارند تا به پرورش دانش‌آموزان و دانشجویان خود در همه زمینه‌ها و همه‌جنبه‌ها بپردازند. پژوهش‌های متعدد نشان داده‌اند که، می‌توان با آموزش‌های مدرسه‌ای و دانشگاهی به کودکان و جوانان، یاد داد هم‌چون نوابغ بیان‌دیشند. فعالیت‌های پژوهشی در زمینه خلاقیت، پیش‌شرط آموزش خلاقیت است. فعالیت‌های پژوهشی در این زمینه، آموزش خلاقیت را تسهیل می‌کند.

در دهه‌های گذشته، مطالعات فراوانی با موضوع خلاقیت، در داخل و خارج کشور انجام و بسیاری از ابعاد مجهول آن روشن شده است (حوریزاد، ۱۳۹۰: ب: ۲۳). اکثریت پژوهش‌ها، حاکی از اثرگذاری مثبت دوره‌های آموزش تفکر خلاق بر میزان خلاقیت دانش‌آموزان در دوره‌های تحصیلی مختلف بوده‌اند (Ugur & Ozge, 2009: 36).

امروزه در کشورهای توسعه یافته، «شکوفایی و پرورش خلاقیت دانش‌آموزان از مهم‌ترین فعالیت‌های آموزشی، به‌شمار می‌آید» (سلیمانی، ۱۳۸۱: ۲۵). در نظام آموزشی کشور ما، هر چند برنامه‌ای جدی و منسجم برای آموزش مهارت‌های تفکر خلاق به‌چشم نمی‌خورد، لیکن در سال‌های اخیر، تلاش‌های خوبی در جهت وارد کردن عنصر

بر اساس فرایند خلاق و تعریف‌های دیگر بر حسب محصول خلاق به خلاقیت نگریسته‌اند» (همان: ۳۰).

در واقع، عامل خلاقیت، یکی از چندین عواملی است که در بستر مفهوم زندگی اجتماعی آدمی، قابل طرح و بررسی بوده و به نوبه خود، پیامدهای گوناگونی را نیز در بر داشته است. «آن چه بر عهده ما گذاشته شده، این است که آن‌ها را شکوفا کنیم و به خدمت بگیریم» (حوریزاد، ۱۳۹۰ الف: ۷۵). طبق شکل ۱، تفکر خلاق، مرکب از چهار عنصر اصلی است؛ «این عوامل، عبارتند از: سیالی (Fluency)، به معنی استعداد تولید اندیشه‌های فراوان؛ ابتکار (Originality)، به معنی استعداد تولید ایده‌های بدیع و غیرعادی؛ انعطاف‌پذیری (Flexibility)، به معنی استعداد تولید ایده‌های متنوع و گوناگون؛ و بسط (Elaboration)، به معنی استعداد توجه به جزئیات است» (Torrance & Goff, 1989: 139). لذا، در آموزش خلاقیت، باید به طور جامع، به هر چهار عنصر تأکید داشت.



شکل ۱: عناصر اصلی تفکر خلاق (ماخذ: نگارندگان)

«روی هم رفته، به جز عوامل ژنتیکی، سه اصل بنیادین دیگر نیز در خلق یک اثر هنری نقش دارند: نخست، یک هنرمند، باید دارای یک ذهن ناخودآگاه بسیار غنی باشد؛ زیرا از این معدن طلاست که ابزار خلاقیت خود را به‌دست می‌آورد و گرانبهارترین آن‌ها، تجربه‌های دوران کودکی اوست. دوم، تنها داشتن یک گنجینه روانی کافی نیست و می‌باید استعداد دسترسی به این گنجینه نیز وجود داشته باشد و چنین کاری، مستلزم برگشت روانی و در خود فرو رفتن است. اصل سوم، مرحله‌ای است که هنرمند، باید این گنجینه را از ذهن ناخودآگاه خویش به سطح بیاورد و آن را به مخاطب خود معرفی کند. به این ترتیب، هنرمند، ما را به دیدار جهان

جدول ۱: مقایسه آثار عملی تعدادی از دانشجویان قبل و بعد از آموزش خلاقیت (ماخذ: نگارندگان)

بعد از کارگاه آموزشی خلاقیت و نقاشی	قبل از کارگاه آموزشی خلاقیت و نقاشی
<p>تصویر ۲ شیوه اجرا: ترکیب مواد روی مقوا عنوان: فصل به فصل</p> 	<p>تصویر ۱ شیوه اجرا: ترکیب مواد روی مقوا عنوان: پاییز</p> 
<p>تصویر ۴ شیوه اجرا: ترکیب مواد روی مقوا عنوان: من</p> 	<p>تصویر ۳ شیوه اجرا: ترکیب مواد روی مقوا عنوان: من</p> 
<p>تصویر ۶ شیوه اجرا: ترکیب مواد روی مقوا عنوان: شاعر</p> 	<p>تصویر ۵ شیوه اجرا: ترکیب مواد روی مقوا عنوان: بازگشت</p> 
<p>تصویر ۸ شیوه اجرا: کلاژ و ترکیب مواد روی مقوا عنوان: آدم‌ها</p> 	<p>تصویر ۷ شیوه اجرا: پاستل گچی روی کاغذ عنوان: عاشورا</p> 
<p>تصویر ۱۰ شیوه اجرا: ترکیب مواد روی مقوا عنوان: خوراک</p> 	<p>تصویر ۹ شیوه اجرا: اکریلیک روی مقوا عنوان: شهر من</p> 
<p>تصویر ۱۲ شیوه اجرا: ترکیب مواد و کلاژ روی چوب عنوان: جور هندوستان</p> 	<p>تصویر ۱۱ شیوه اجرا: ترکیب مواد و کلاژ روی مقوا عنوان: درهم تنیده</p> 

قبل از کارگاه آموزشی خلاقیت و نقاشی	بعد از کارگاه آموزشی خلاقیت و نقاشی
<p>تصویر ۱۳ شیوه اجرا: اکریلیک روی مقوا عنوان: معنویت</p> 	<p>تصویر ۱۴ شیوه اجرا: کلاژ و ترکیب مواد روی مقوا عنوان: من از درون غزل با تو حرف می‌زنم...</p> 
<p>تصویر ۱۵ شیوه اجرا: اکریلیک روی مقوا عنوان: عاشورا</p> 	<p>تصویر ۱۶ شیوه اجرا: اکریلیک روی مقوا عنوان: عاشورا</p> 

سهم افراد خلاق در پیشرفت تمدن شناخته شود.

یافته‌ها

در جدول ۱، آثار قبل و بعد از کارگاه آموزشی هر دانشجو، به منظور بررسی و مقایسه آثار هنری دانشجویان، به تفکیک، ثبت شدند.

سیس، یافته‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفتند و فرضیه‌های پژوهش آزمون شدند؛ تا معلوم شود، آیا آموزش موجب رشد خلاقیت دانشجویان شده است یا خیر؟ در نهایت، با عنایت به یافته‌های این پژوهش و دیگر پژوهش‌های انجام یافته، هم‌سوایی و یا عدم هم‌سوایی یافته‌ها مورد بررسی قرار گرفتند.

خلاقیت در کتاب‌های درسی و نیز در شیوه‌های تدریس، انجام شده است. مراکز آموزشی رسمی، جمع‌کننده کثیری از نیروهای جوان را در اختیار دارد که بی‌تردید، تقویت قوه خلاقیت در آن‌ها، می‌تواند منجر به منافع بسیار فردی، اجتماعی و اقتصادی در هر جامعه باشد. در این رابطه، مراکز آموزش هنر کشور، از جمله دانشکده‌های هنر، لازم است به مسأله خلاقیت و پرورش آن، توجه جدی مبذول دارند. تغییر در نگرش‌ها، با شناخت و سنجش دقیق خلاقیت حاصل می‌شود. امروزه، خلاقیت باید ظرفیت بالقوه بسیاری از انسان‌ها باشد و قابلیت تعریف و ارزیابی داشته باشد و در نهایت، برای این اساس بتواند در معرض آموزش و پرورش مناسب قرار گیرد و به ظرفیت بالفعل انسانی بدل شود و

جدول ۲: آزمون توزیع نرمال کولموگروف اسمیرنوف (ماخذ: نگارندگان)

عنوان	پس آزمون	آموزش کامل (تئوری و عملی)	پیش آزمون	آموزش تئوری
حجم نمونه	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸
میانگین پارامترهای نرمال	۲/۳۴۰۰	۲/۷۳۳۵	۲/۱۲۸۷	۲
انحراف معیار مطلق	۰/۲۲۷۱۶	۰/۰۸۱۰۲	۰/۱۸۵۸۱	۰/۱۹۶۷۹
بیش‌ترین تفاوت‌ها	۰/۲۵۴	۰/۱۶۴	۰/۲۰۷	۰/۲۰۹
مثبت	۰/۲۵۴	۰/۱۶۴	۰/۲۰۷	۰/۲۰۳
منفی	-۰/۲۵۴	-۰/۱۰۳	-۰/۱۸۸	-۰/۲۰۹
Z	۰/۷۱۸	۰/۴۶۵	۰/۵۸۵	۰/۵۹۲
معنی داری دو سویه	۰/۶۸۰	۰/۹۸۲	۰/۸۸۳	۰/۸۷۴

جدول ۳: مقایسه امتیاز قبل و بعد از دوره آموزشی کامل (ماخذ: نگارندگان)

متغیرها	حجم نمونه	میانگین	انحراف معیار	میانگین انحراف معیار
قبل از آموزش	۱۸	۲/۳۴۰۰	۰/۲۲۷۱۶	۰/۰۸۰۳۱
بعد از آموزش کامل	۱۸	۲/۷۳۲۵	۰/۰۸۱۰۲	۰/۰۲۸۶۴

جدول ۴: آزمون هم‌بستگی امتیاز قبل و بعد از دوره آموزشی کامل (ماخذ: نگارندگان)

متغیرها	حجم نمونه	هم‌بستگی	سطح معنی داری
قبل و بعد از آموزش کامل	۱۸	۰/۸۶۹	۰/۰۰۵

جدول ۵: برآورد تغییر امتیاز افراد، قبل و بعد از دوره آموزشی کامل (ماخذ: نگارندگان)

متغیرها	درجه آزادی	عدد t	فاصله اطمینان ۹۵٪ حد بالایی	فاصله اطمینان ۹۵٪ حد پایینی	میانگین خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	سطح معناداری دوسویه
قبل و بعد از آموزش کامل	۷	۶/۸۶۰	۰/۵۲۷۸۰	۰/۲۵۷۲۰	۰/۰۵۷۲۲	۰/۱۶۱۸۴	۰/۳۹۲۵۰	۰/۰۰۰

جدول ۶: مقایسه امتیاز قبل و بعد از دوره آموزش نظری (ماخذ: نگارندگان)

متغیرها	حجم نمونه	میانگین	انحراف معیار	میانگین انحراف معیار
قبل از آموزش نظری	۱۸	۲/۱۲۸۷	۰/۱۸۵۸۱	۰/۰۶۵۷۰
بعد از آموزش نظری	۱۸	۲/۲۶۸۸	۰/۱۹۶۷۹	۰/۰۶۹۵۸

جدول ۷: آزمون هم‌بستگی امتیاز قبل و بعد از دوره آموزش نظری (ماخذ: نگارندگان)

متغیرها	حجم نمونه	هم‌بستگی	سطح معنی داری
قبل و بعد از آموزش نظری	۱۸	۰/۸۷۵	۰/۰۰۴

جدول ۸: برآورد تغییر امتیاز افراد، قبل و بعد از دوره آموزشی کامل (ماخذ: نگارندگان)

متغیرها	درجه آزادی	عدد t	فاصله اطمینان ۹۵٪ حد بالایی	فاصله اطمینان ۹۵٪ حد پایینی	میانگین خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	سطح معناداری دوسویه
قبل و بعد از دوره آموزش نظری	۷	۴/۱۱۶	۰/۲۲۰۴۴	۰/۰۵۹۵۶	۰/۰۳۴۰۲	۰/۰۹۶۲۱	۰/۱۴۰۰۰	۰/۰۰۴

فرضیه اول: آموزش هنر خلاقیت محور، موجب افزایش خلاقیت دانشجویان کارشناسی رشته نقاشی می‌شود.

نتایج آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها با شیوه کولموگروف-اسمیرنوف:

در این آزمون، اختلاف بین توزیع داده‌ها و توزیع نرمال در هیچ یک از گروه‌های آزمایشی در سطح پنج صدم معنی دار نشد. این به این معنی است که داده‌ها، دارای توزیع نرمال

هستند و شرایط لازم برای آنالیز پارامتری را دارند. **نتایج آزمون مقایسه دو گروه به صورت جفت با روش تی تست داده‌ها**

در ادامه، افزایش امتیاز هر فرد پس از شرکت در یک دوره کامل، نسبت به قبل از دوره، مورد آزمون قرار گرفت. در جدول ۳، میانگین انحراف معیار و خطای معیار امتیاز قبل و بعد از دوره آموزشی، محاسبه شده است. در جدول ۴، هم‌بستگی امتیاز قبل و بعد از آزمون، محاسبه شده است. همان‌طور که

جدول ۹: آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها با شیوه کولموگروف-اسمیرنوف (ماخذ: نگارندگان)

عنوان	پیش آزمون	آموزش تئوری
حجم نمونه	۱۸	۱۸
میانگین پارامترهای نرمال	۱۰۲	۲۰۷
انحراف معیار مطلق	E1۲/۸۶۴۴۸	E1۳/۴۶۰۰۲
بیش‌ترین تفاوت‌ها	۰/۱۹۰	۰/۲۹۷
مثبت	۰/۱۹۰	۰/۳۴۰
منفی	-۰/۱۴۱	-۰/۲۹۷
Z	۰/۵۳۹	۰/۸۳۹
معنی داری دو سویه	۰/۹۳۴	۰/۴۸۲

نتایج آزمون مقایسه دو گروه به صورت جفت با روش تی تست داده‌ها

نتایج این تجزیه و تحلیل، نشان داد که امتیاز داده شده توسط هیات داوران قبل و بعد از دوره آموزشی کامل، به طور چشم‌گیری تفاوت داشته و از نظر آماری (در سطح یک ده هزارم)، بسیار معنی‌دار بوده است و در این آزمایش، طبق جدول ۱۰، افزایش این امتیاز پس از دوره آموزشی کامل، نسبت به قبل از آن با حاشیه اطمینان ۹۵٪ بین ۷۱/۵ الی ۱۳۸/۷ برآورد شده است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش با تأکید بر این اصل که خلاقیت، یکی از ضروریات در آموزش هنر و یکی از عوامل موفقیت در اثر هنری است و از آن‌جا که خلاقیت امری اکتسابی است، به تعریف خلاقیت و چگونگی سنجش و آموزش آن، پرداخته شد. عنصر خلاقیت با تحول و دگرگونی عجین است و تفکر خلاق، عاملی است که ذهن انسان را پویا، فعال و زنده نگه می‌دارد. بهره‌مندی فرد از موهبتی چون خلاقیت، مستلزم بستر سازی مناسب و تمرین مداوم و اصولی مهارت‌های تفکر خلاق است. به استناد یافته‌های پژوهشی دیگران، خلاقیت، تنها یک صفت ذاتی نیست؛ ایجاد آن از طریق آموزش نیز امکان‌پذیر است.

انتظار می‌رفت، این میزان بالا بوده و معنی‌دار شده است؛ چرا که هر جفت امتیاز قبل و بعد از دوره، مربوط به یک فرد بوده و این، ثابت می‌کند که این شیوه مقایسه آماری، صحیح بوده است.

جدول ۵، تغییر امتیاز پس از دوره کامل آموزشی نسبت به قبل از آن را محاسبه نموده است؛ این تغییر مثبت است؛ افزایشی معادل ۰/۳۹۲ را نشان می‌دهد و بسیار معنی‌دار است. در جدول ۶، میانگین انحراف معیار و خطای معیار امتیاز قبل و بعد از دوره آموزشی، محاسبه شده است. در جدول ۷، هم‌بستگی امتیاز قبل و بعد از آزمون محاسبه شده است؛ همان‌طور که انتظار می‌رفت، این میزان بالا بوده و معنی‌دار شده است؛ چرا که هر جفت امتیاز قبل و بعد از دوره، مربوط به یک فرد بوده و این، ثابت می‌کند که این شیوه مقایسه آماری، صحیح بوده است. جدول ۸، تغییر امتیاز پس از دوره کامل آموزشی نسبت به قبل از آن را محاسبه نموده است؛ این تغییر مثبت است؛ افزایشی معادل ۰/۱۴ را نشان می‌دهد و بسیار معنی‌دار است.

فرضیه دوم: پروژه عملی دانشجویان بعد از آموزش، در مقایسه با قبل از آموزش از خلاقیت بیش‌تری برخوردار است.

نتایج آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها با شیوه کولموگروف-اسمیرنوف:

در این آزمون، کار عملی دانشجویان قبل و بعد از دوره آموزشی کامل توسط هیات داوران، مرکب از سه عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس، در قالب فرم ارزشیابی هنرهای تجسمی رنزولی ارزیابی شد و میانگین نمرات داوران با روش مقایسه دو گروه به صورت جفت با روش تی تست داده‌ها، تجزیه و تحلیل شد. اختلاف بین توزیع داده‌ها و توزیع نرمال، در جدول ۹، در هیچ یک از گروه‌های آزمایشی در سطح پنج صدم معنی‌دار نشد. این، به این معنی است که داده‌ها، دارای توزیع نرمال هستند و شرایط لازم برای آنالیز پارامتری را دارند.

جدول ۱۰: برآورد تغییر امتیاز افراد قبل و بعد از کارگاه آموزشی خلاقیت (ماخذ: نگارندگان)

متغیرها	درجه آزادی	عدد t	فاصله اطمینان ۹۵٪ حد بالایی	فاصله اطمینان ۹۵٪ حد پایینی	میانگین خطای استاندارد	انحراف معیار	میانگین	سطح معناداری دوسویه
قبل و بعد از دوره آموزش نظری	۷	۷/۴۰۰	۱۳۸/۷۱۸۷۴	۷۱/۵۳۱۲۶	۱۴/۲۰۶۸۰	۴۰/۱۸۲۸۹	۱/۰۵۱۲۵	۰/۰۰۰

علی‌رغم مطالعات فراوان در خصوص خلاقیت، در مورد کارایی فنون آن، تحقیقات اندکی صورت گرفته است. نتایج این پژوهش نشان داد که آموزش تفکر خلاق، می‌تواند میزان خلاقیت افراد را ارتقا دهد. این یافته‌ها با بسیاری از تحقیقات انجام یافته قبلی، هم‌خوانی دارد. هم‌چنین در این تحقیق، فن بارش فکری، بیش‌ترین میزان اثرگذاری در بین فنون سه‌گانه را به خود اختصاص داده است؛ که با یافته‌های سایر پژوهش‌ها - که در آن بیش‌ترین اثر مربوط به فن بارش فکری اعلام شده است - تطابق دارد و با یافته‌های تحقیق حاضر، هماهنگ است. مهارت‌های تفکر خلاق به دانشجویان می‌آموزد که می‌توان ذهن را از قید سنت‌های خشک و دست و پاگیر و منجمد رهانید و تفکری آزاد، خلاق و واگرا را جایگزین آن ساخت. هم‌چنین، آموزش هنر خلاقیت محور، موجب افزایش خلاقیت دانشجویان کارشناسی رشته نقاشی می‌شود.

نتایج تجزیه آماری به‌دست آمده از آزمون خلاقیت عابدی مربوط به دانشجویان، قبل و بعد از آموزش کامل (نظری و عملی)، حاکی از بهبود خلاقیت، در نتیجه دوره آموزشی بوده است.

هم‌چنین مقایسه آثار عملی دانشجویان قبل و بعد از دوره آموزشی کامل، بر اساس جدول مقیاس ارزشیابی هنرهای تجسمی رنژولی، نیز نشان‌دهنده رشد مؤلفه‌های خلاقیت در آثار عملی دانشجویان بوده است؛ به‌طوری‌که، با نتایج مربوط به امتیازهای به‌دست آمده از آزمون خلاقیت عابدی مطابقت داشته است؛ به نظر می‌رسد، مؤلفه‌های خلاقیت، به دلیل نقش آموزش در بهبود آن‌ها در نتایج به‌دست آمده دخالت داشته‌اند.

همان‌گونه که از نتایج پژوهش برمی‌آید، آموزش ابعاد و عناصر خلاقیت، توانسته است در عمل، موجبات رشد مهارت‌های خلاقیت دانشجویان را فراهم آورد. خلاقیت، دیگر نباید به شانس و تصادف واگذار شود و در حوزه رمزآلود و غیرقابل لمس باقی بماند. خلاقیت، باید ویژگی بسیاری از افراد باشد و تلاش برای کسب بیش‌تر آن، به عمل آید؛ و از چیزی که نرم و نازک و احساساتی است، به چیزی واقع‌گرایانه - که ارتباط با سخت‌افزار زمانه دارد و با بقاء نوع مرتبط است - تغییر یابد.

پیشنهادها

پیشنهاد می‌شود با انجام تحقیقات بیش‌تر و گسترده‌تر در

خصوص تأثیر به کارگیری رویکرد خلاقیت در آموزش عالی باهدف جهت‌گیری برنامه‌های درسی و به‌وجود آوردن فضا برای پرداختن به راهبردهای یادگیری خلاق، زمینه‌های لازم برای سمت‌دهی فرهنگ آموزش برای پرورش خلاقیت و دیگر حلقه‌های مفقوده نظام برنامه‌ریزی درسی، فراهم آید. شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری لازم است، دستورالعمل‌هایی برای گروه‌های برنامه‌ریزی درسی براساس یافته‌های این پژوهش و دیگر پژوهش‌ها، تهیه راه‌کارهای غنی‌سازی برنامه‌های درسی، بازنگری برنامه‌ها و سمت دادن برنامه‌های درسی برای رشد مهارت‌هایی مانند خلاقیت را - که در برنامه‌های درسی رایج به آن‌ها پرداخته نشده است - در دستور کار خود قرار دهند. استادان باید سهم بیش‌تری در اتخاذ تصمیم‌های آموزشی داشته باشند. آماده‌سازی برنامه درسی، باید با مشارکت استادانی که عملاً آن دروس را تدریس می‌کنند، صورت گیرد. استادان برای اجرای درست وظیفه‌شان، نه تنها باید آموزش ببینند، بلکه باید از حمایت کافی نیز برخوردار باشند. بهبود کیفیت خودبه‌خود حاصل نمی‌شود؛ بلکه مستلزم طراحی و ایجاد سیستم پژوهش و توسعه است که باهدف بهبود تدریجی و مداوم آموزش و یادگیری شکل گرفته باشد. بر اهمیت تبادل استادان و همکاری میان مؤسسه‌ها در کشورهای مختلف، باید تأکید کرد؛ انجام این مبادلات و همکاری‌ها، نه تنها ارزش افزوده لازمی را به کیفیت آموزشی اعطای کند، بلکه احترام بیش‌تری برای فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تجربه‌های دیگر به‌وجود می‌آورد. در حال حاضر، در دانشگاه تربیت مدرس با عنایت به تحولات شگرفی که در همه زمینه‌ها از جمله علوم تربیتی پدید آمده است، ضرورت دارد با مهندسی مجدد و بهره‌گیری از دستاوردهای علوم تربیتی در دهه اخیر، به‌ویژه دستاوردهای این تحقیق، برنامه‌های تربیت مدرس به لحاظ محتوا و روش‌ها با سمت‌گیری در جهت افزایش کارایی مغز و بهره‌وری از ظرفیت خلاقیت، از طریق تشکیل حلقه‌های غنی‌سازی دستخوش تغییر و تحول اساسی شود. درنهایت، ضمن تأکید بر لزوم وارد کردن مفاهیم و اصول تفکر خالق در مواد درسی و نظام آموزش عالی کشور، پیشنهاد می‌شود، جهت آموزش خلاقیت، روش‌های پرورش خلاقیت، به‌عنوان روش‌های موفق و کارآمد مورد توجه مربیان و استادان قرار گیرد.

پی‌نوشت

۱. فرم مقیاس ارزشیابی هنرهای تجسمی توسط رنزولی طراحی شده است که براساس مؤلفه‌های اصلی و مورد نظر در خلاقیت شامل ۸ آیتم در فرم می‌باشد: ۱. بیان عاطفی خلاق، تخیل و ویژگی؛ ۲. انعطاف‌پذیری، امکان جذب و انطباق با رسانه‌های مختلف؛ ۳-روانی و سیالی در انواع گوناگون ایده‌ها و انگاره‌ها؛ ۴. حساسیت‌پذیری- قدرت ترکیب و طراحی؛ ۵. قدرت و مهارت‌های سازندگی، توانایی ساختن و ترکیب و غیره؛ ۶. رشد و پختگی؛ ۷. بسط و گسترش؛ ۸. ابتکار و نوآوری (در موضوع/ابزار/شیوه اجرا) (Renzulli, 1988:4). این فرم برای داوری و مقایسه آثار قبل و بعد از آموزش دانشجویان استفاده شد و امتیازاتی از ۱-۶، برای هر مؤلفه در نظر گرفته شد و پس از داوری توسط چند آزمونگر (استادان هنر)، امتیازات بررسی و نتایج استخراج شدند.

۲. آزمون کولموگروف-اسمیرنوف در SPSS، برای اطمینان از نرمال بودن داده‌های گردآوری شده، استفاده می‌شود و می‌تواند برای هر توزیع آماری استفاده شود.

3. CTP: Creative Teaching Program.

4. TCAM: Thinking Creativity in Action and Movement

هنجاریابی مقدماتی آزمون تفکر خلاق در عمل و حرکت تورنس

منابع

- آماپیل، ترزا. ام. (۱۳۷۵). *شکوفایی خلاقیت کودکان*، ترجمه حسن قاسم‌زاده و پروین عظیمی، تهران: نوبهار.
- احمدی، محمدحسن (۱۳۸۵). «*خلاقیت و ویژگی انسان*»، بیناب، شماره ۱۰، ۵۴۵۹.
- آژبرن، الکس فیکنی. (۱۳۶۸). *پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت*، ترجمه حسن قاسم‌زاده، تهران: نیلوفر.
- تورنس، الیس. پل. (۱۳۷۲). *استعدادها و مهارت‌های خلاقیت، راه‌های آزمون و پرورش*، ترجمه حسن قاسم‌زاده، تهران: دنیای نو.
- حاتمیان، منیژه (۱۳۸۸). «*خلاقیت و آموزش هنر نقاشی نیاز اصلی فراگیرندگان امروزی*»، رشد آموزش هنر، دوره ۳، شماره ۱۹، ۱۷-۱۶.
- حسینی، افضل السادات (۱۳۸۸). *ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن*، چ. پنجم، تهران: آستان قدس رضوی.
- حسینی، منظر (۲۰۱۱). *آفریدگاری که منم*، کپنهاگ: سایه.
- حوریزاد، بهمن (۱۳۸۹). «*بررسی تأثیر درس پژوهی خلاقیت محور بر توسعه توانمندی‌های حرفه‌ای معلمان و یادگیری رفتار خلاق معلمان ودانش آموزان*»، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، دوره ۱، شماره ۱، ۷۵۹۲.
- حوریزاد، بهمن (۱۳۹۰ الف). *بینشی نودرغنی سازی مدرسه*، تهران: سایه سخن.
- حوریزاد، بهمن (۱۳۹۰ ب). *درس پژوهی*، تهران: سایه سخن.
- رضازاده، هما (۱۳۹۶). «*آموزش خلاقیت در هنر تصویرسازی*»، رشد آموزش هنر، دوره ۳، شماره ۵۰، ۴۶۵۳.
- سلیمانی، افشین (۱۳۸۱). *کلاس خلاقیت*، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- سیف، علی اکبر (۱۳۸۳). *روان‌شناسی پرورشی*، چ. یازدهم، تهران: آگاه.
- طاهرخانی، زهرا (۱۳۹۳). «*هنر در آینه پژوهش: تأثیر آموزش هنر بر خلاقیت دانش آموزان*»، رشد آموزش هنر، دوره ۱، شماره ۳۷، ۶۴۶۰.
- عابدی، جمال (۱۳۷۲). «*خلاقیت و شیوه‌های دراندازه‌گیری آن*»، پژوهش‌های روان‌شناختی، دوره ۲، شماره ۲، ۴۶۵۴.
- فاضل، فاطمه (۱۳۸۶). «*چگونه برای کتاب تصویرسازی کنیم؟*»، گرافیک و چاپ، دوره ۱، شماره ۳، ۳۴۴۰.
- فاینمن، ریچارد (۱۳۹۵). *همه ماجراهای ریچارد فاینمن*، ترجمه جمیل آریایی، تهران: صدای معاصر.
- مثقالی، فرشید (۱۳۸۸). «*در چند و چون تصویرگری*»، حرفه هنرمند، دوره ۳، شماره ۳۰، ۱۷۲۴.
- منطقی، مرتضی (۱۳۹۱). «*بررسی تأثیر آموزش خلاقیت بر دانش آموزان دبستان و دبستانی*»، پژوهش‌های برنامه‌درسی، دوره ۲، شماره ۱، ۱۲۸.
- نادری گرزالدینی، مرجانه (۱۳۹۳). «*روش‌های پرورش خلاقیت هنر نقاشی در دوره آموزش ابتدایی*»، رشد آموزش هنر، دوره ۳، شماره ۳۹، ۴۸۴۴.
- وایزبرگ، رابرت (۱۳۸۷). *خلاقیت فراسوی اسطوره نبوغ*، ترجمه مهدی والفی، تهران: روزنه.
- Craft, A., Jeffrey, B. & Leibling, M. (2001). *Creativity in Education*. London: Continuum.
- Murphy & Harold, Donald. (2019). *Modifying the Traditional Classroom Model to Facilitate the Development of Creative Skills*. (Doctoral dissertation), Massachusetts: University of Massachusetts Amherst.
- Renzulli, J. S. (1978). What makes giftedness?. *Phi Delta Kappan*, 60, 2-6.
- Ronald, R. (1993) *Teaching for creativity in the ERA of computers: AN ETHNOGRAPHIC*, study AAC: 86379 toronto.
- Suwantra, P. (1994). *Effects of the Creativity Training Program on Preschoolers*. (Doctoral dissertation), Illinois State University.
- Torrance, E. P. & Goff, K. (1989). A Quite Revelation. *Journal of Creative Behavior*, 23(2), 136-145.
- Ugur, S. & Ozge, O. (2009). The Effectiveness of the Creative Reversal Act (CREACT) on Students' Creative Thinking. *Journal of Thinking Skills and Creativity*, 5(1), 33-39.